

معرفی کتاب خارجی

ولایت در سپیده‌دمان شیعه اثناعشری

● علیرضا رضایت

فرسنگ‌ها به دورند، رویکرد دوم رویکردی پدیدارشناختی است. این رویکرد ضمن بهره‌مندی از رویکردهای دیگر در پی فهم گوهر یک پدیده و بازشناسی آن از لوازم جانبی و عارضی است. در این میان، هانری کربن از جمله کسانی است که از این شیوه در مطالعات امامیه بهره برد، او کوشید باطن مذهب امامیه را از ظاهرش بازشناسد و از گذر انجام این مهم به وادی عرفان و تصوف گام نهاد. کسی که در این حوزه دنباله‌کار کربن را گرفت محمدعلی امیرمزی، مؤلف کتاب امامت در سپیده‌دمان شیعه اثناعشری، بود.

این اثر ارزشمند وی از جمله آثاری است که در چرخه دیگری را به مذهب امامیه و مفهوم امام، خاصه در دهه‌های آغازین اسلام و براساس متون باطنی به‌روی علاقه‌مندان و شیعیان این مکتب گشوده‌است. این کتاب نخستین کتابی است که به منظور دستیابی به دیدگاهی اصیل و معتبر به مسئله ولایت (امامت) در شیعه نخستین، روشمندانه و نظام‌مند به بررسی انبوهی از احادیث منسوب به امامان معصوم (ع) پرداخته‌است. مؤلف با بررسی و کنکاش در منابع اصیل باطنی در اسلام نشان می‌دهد که امام از نگاه شیعه صدر اسلام تا قرن دهم پیش و بیش از آنکه یک فقیه یا متکلم باشد صاحب علم و قدرت‌های مافوق طبیعی است. امام استلانه‌ای است که خدا و مردم از طریق او با یکدیگر ارتباط می‌یابند. لذا وجود امام به لحاظ هستی‌شناختی یک ضرورت بوده و در حقیقت کانون و کلید تراز قدسی جهان به‌شمار می‌رود. به اعتقاد مؤلف، شبهه‌مذهبی است که بر دو جنبه استوار است. و در این بین نقش امام به مثابه رهبر و پیشوا همواره تعیین‌کننده خواهد بود. این دو جنبه عبادت‌انداز: تعلیم دائمی اسرار الهی، و مواجهه

● ولایت در سپیده‌دمان شیعه اثناعشری *

● محمد علی امیرمزی

● ترجمه به انگلیسی: دیوید استریت

● نیویورک، ۱۹۹۴

امام (ولی)، محور اصلی و کانون مذهب تشیع به‌شمار می‌رود. به سخن دیگر، کل ساختار اعتقادی امامیه چهره ولی یا امام است. این عنوان منحصرأ به جانشینان انبیا (ع) به هنگام انجام مأموریت آنها اختصاص دارد. با این همه، ارائه تعریفی دقیق از امام و به طریق اولی مذهب تشیع همچنان محل بحث است. ایجاد و وسیع متون حدیثی متقدم، ابهامات، عدم برخورداری از انسجام و منطق درونی و نیاز به بررسی روشمند و پیچیدگی خود موضوع همگی بر دشواری آن افزوده‌اند. از سوی دیگر به رغم مطالعات قابل توجهی که از زمان گلدسیهر تا کنون در این خصوص انجام گرفته‌است هنوز تصویر روشنی که براساس ساختاری منسجم و برخوردار از اطلاعات تاریخی دقیق باشد در دست نیست. اما در مجموع در خصوص مطالعات مربوط به امامیه دست کم دو گونه رویکرد وجود دارد: رویکرد نخست رویکردی است که در آن مذهب امامیه به مذهب فقهی کلامی یا جریانی سیاسی فروکاهیده می‌شود. مطالعات مربوط به این رویکرد راه افراط و تفریط را پیموده‌است؛ برخی آنقدر تحلیلی و گرفتار جنبه خاصی از امامیه‌اند که از ارائه معنای جامع و دقیقی از هدف، دستورالعمل و معنای آن در مانده‌اند. برخی دیگر نیز آنچنان کلی و ترکیبی‌اند که از درک و توجه به تحول عقاید و آموزه‌ها، برخورد دراز و تحولات معناشناختی تدریجی این مکتب



همیشگی با نیروهای مخالف این تعلیم. ظاهر و باطن مکمل یکدیگرند؛ ظاهر بدون باطن بی معناست. امامیه نخستین، مکتبی باطنی، عرفانی و ازلی است. کتاب حاضر صرف نظر از پیشگفتار مشتمل بر چهار فصل، یک نتیجه و یک ضمیمه است که به همراه پی نوشت ها، منابع و اعلام به حدود ۲۸۰ صفحه می رسد.

فصل اول شامل مقدمه است که خود بازگشتی است به منابع متقدم.
 مؤلف در این فصل هدف اصلی خود را از انجام این پژوهش، امام شناسی می داند و در پی آن است که با استفاده از بیانات امامان معصوم (ع) خاصه در فاصله قرن اول تا چهارم هجری تعریف دقیقی از امام، هویت و کارکرد او به دست دهد. مبنای کار نیز سنت نظری و اعتقادی امامیه است و نه سنت فقهی که به جز در مواردی خاص چندین تفاوتی با اهل سنت ندارد. سپس در ادامه می خوانیم از اینجا که امامیه مکتبی عقلانی است و از طرفی امامان معصوم نیز بر عقل به مثابه ابزار فهم تعالیم شان تأکید کرده اند پس تشخیص معنا و کاربرد عقل در اینجا بسیار حائز اهمیت است. در بحث مربوط به بصیرت و عقل، در بیان معنای عقل در اسلام و دوره پیشا اسلامی معتقد است در این دوره مفهوم ظلم، رقیب مفهوم عقل بوده است. با ظهور قرآن معنای عقل مجحول می شود. عقل در قرآن به معنای نوعی آگاهی یا دریافت الهی است که شامل شهود و بصیرت و معرفت زرفی است که خضوع و تسلیم در برابر حق تعالی را در پی دارد.
 مؤلف در ادامه ایجاد مختلف این عقل را برمی نماید:
 ۱- بند هستی شناختی: او در این قسمت با استفاده از حدیث جنود عقل و حدیث جهل از امام صادق (ع) تفسیر

و تصویری کیهان شناختی از عقل ارائه می دهد. ۲- بعد اخلاقی - معرفت شناختی: در اینجا عقل موهبتی از جانب خداوند است و با ادب که با کوشش فردی به دست می آید بسیار فاصله دارد و از طرفی علم به تعالیم حقیقی امامان تنها از طریق این عقل موهبتی امکان پذیر است. ۳- بعد معنوی: در این بعد عقل ابزار ارتباط با خداست که بدون آن انسان در قمر خودخواهی و الحاد سقوط می کند. ۴- بعد نجات شناختی: عقل معیاری است که انسان ها در روز قیامت توسط آن مورد بازخواست (قضات) قرار خواهند گرفت. در یک کلام، عقل یک موجود کیهانی و امام قوای خیر است که همواره سرگرم مبارزه با قوای شر به رهبری جهل است. اما این عقل تحت تأثیر ترجمه متون یونانی به عربی و پیدایش روش استدلالی کلام از اوایل قرن سوم هجری از معنای پیشین خود تنزل یافت. و با ظهور شیخ مفید و شریف مرتضی معنای دیگری گرفت و معادل استدلال و نظر شد و به تدریج به صورت رویکردی غالب درآمد و دیگری نباید که تنها نام این دو اصطلاح یکسان ماند. خلط میان عقل در معنای پیشین و معنای متأخران دشواری های بسیاری را پدید آورد. در بحث باطن گرایی و عقلانی شدن، نگاه امامان به کلام و صحاح و مناظرات کلامی بررسی می شود. در اینجا به نظر می رسد که امامان گاهی اوقات به دلایل مصلحت آمیز مطالعه و استفاده از کلام را با هدف تحقیر مخالفان خود در مجالس مناظره و نیز حفظ اتحاد جامعه امامیه خارج می دانستند اما به جز در چنین مواردی ایشان در کل، نگاه مثبتی به کلام و استفاده از استدلال منطقی وجدلی (قیاس، رای) خاصه در امر دین نداشتند. در بخش منابع، فهرستی از منابع حدیثی که اساس کار این پژوهش بر آنها استوار است آمده است. از آن

دسته‌اند: سایه‌های موجودات غیرانسانی روحانی (مانند اجنه)، سایه‌های ۱۲۴ هزار پیامبر و سایه‌های مؤمنان بنی آدم (راز آشنایان تعالیم باطنی امامان معصوم). سپس نوبت به میثاق می‌رسد؛ پیمانی که در عالم میثاق میان خدا و سایه بسته می‌شود؛ پیمانی مرکب از چهار سوگند عبودیت، عشق، ولایت و سوگند به مهدی (منجی عالم بشریت). تمام سایه‌ها علم خود را از نور یا انوار ائمه معصومین (ع) در عالم میثاق آموخته‌اند.

در بحث آدم ابوالبشر، مؤلف اعتقاد و دیدگاه نهادن نور نبوت و امامت در نهاد آدم (ع) و سایرین دو نور در ذریه او تا حضرت خاتم و اوصیای ایشان را مطرح کرده است.

مبحث بعدی که تحت عنوان پیوست آمده است رؤیت با قلب (دیدن در دل) است. این امر ثمره معنوی حقایق مربوط به امام نورانی و پیشینی است؛ دیدن در دل دو بعد از تعالیم ائمه را برمی‌نماید: بعد انسان‌شناختی و جنبه عملی معنویت در امامیه نخستین، دیدگاه امامیه نخستین در خصوص دیدن در دل از یک سو بر جایگاه امام و از سوی دیگر بر تجربه شهودی و ذرونی مبتنی است.

از نگاه امامان امکان رؤیت خدا با چشم ظاهر (چه در دنیا و چه در آخرت) منتفی است. این مسئله با نقل آیات و روایات متعدد بررسی شده است. اما از سوی دیگر رؤیت حق تعالی با چشم دل از آنجاکه شرط لازم ایمان حقیقی به شمار می‌رود، ضروری است.

ذات خدا تا ابد از دیده‌ها پنهان است چراکه او از تمام چیزها حتی از رؤیت هم برتر و متعالی‌تر است. اما در عین حال «مؤمن» راستین، خدا را در وجه ظهورش (آیات خداوندی) با چشم دل می‌تواند ببیند. با این همه آنچه با چشم دل دیده می‌شود نور یا طیفی از انوار است که در کانون قلب قرار دارد. ابزار رؤیت نیز عقل [= ایمان] است و طرفه آنکه در اینجا حقیقت عقل، خود، موضوع رؤیت است. و این حقیقت همان امام است؛ در یک کلام، عقل، امام باطنی مؤمن محسوب می‌شود. مؤلف در ادامه با اشاره به نبود اطلاعات دقیق و کافی در این باره در متون اسلامی قرن سوم و چهارم هجری بر آن می‌شود تا احادیث ائمه را تا آثار

جمله‌اند: بصائر الدرجات صفارقمی (متوفی ۲۹۰ ق)، الکافی فی علم الدین کلینی (متوفی ۳۲۹ ق)، کتاب الغیبه ابن زینب نعمانی (متوفی ۳۶۰ ق)، کمال الدین و تمام النعمة ابن بابویه (متوفی ۳۸۱ ق) و بسیاری دیگر.

در بحث ماهیت و حجیت احادیث امامیه دو دسته حدیث را آورده است. نخست احادیث فقهی که عمدتاً در فروع کافی، من لایحضره الفقیه و جزآن می‌توان یافت. دوم احادیث اعتقادی و کلامی که ماهیتاً با احادیث دسته اول متفاوت‌اند. در این احادیث است که ویژگی‌های اصیل امامیه نمایان می‌شود. در این احادیث امام محور همه چیز است به طوری که از یک سو خداشناسی، پیامبرشناسی، انسان‌شناسی، هستی‌شناسی و... امامیه در گروی شناخت او است و از سوی دیگر نیز ملاک‌های سنجش اعتبار احادیث نزد شیعه و اهل سنت بررسی شده است.

فصل دوم کتاب به وجود پیشینی امام پرداخته است. اساس مکتب تشیع را پنج تن آل عبا (پیامبر اکرم (ص)، فاطمه (س)، حضرت علی (ع) و دو امام حسن و حسین (ع)) و سایر ائمه که جمعاً به چهارده معصوم مشهورند تشکیل داده است. در تاریخ اسطوره‌ای تشیع، خداوند چندین هزار سال پیش از خلقت جهان در لامکانی به نام «ام الکتاب» شماعی از نور خود و سپس شماع دومی از آن منشعب می‌سازد؛ شماع اول نور محمد (ص) (نور نبوت و ظاهر) و شماع دوم نور علی (ع) (نور امامت یا ولایت، نور باطن). مؤلف در ادامه به نحو استطرادی تلقی ائمه (ع) از عرش و کرسی را بررسی کرده است. عرش نامی برای علم و قدرت خدا و نماینده وجهه باطنی و پنهان آن جهان است و کرسی نام تأویلی و وجهه آشکار و ظاهر عالم غیب به شمار می‌رود. نام‌های پیامبر و امامان بر عرش حک شده است و به یک معنا امامان (حجت‌های خداوند) «حاملان عرش» هستند. در ادامه از کیفیت آفرینش و حضور (وجود) امامان پیش از آفرینش آدم سخن رفته است. امامان پیش از خلقت در شکل اشباحی (سایه‌هایی) نورانی در طرف راست عرش خداوند در حرکت بودند و به توجید، تهلیل، تمجید، تحمید، تسبیح و تقدیس اومی پرداختند. این سایه‌های مقدس سه



اهل تصوف مقابله کند چرا که هدف اصلی خود را از این بحث به تصویر کشیدن جنبه فنی و تجربی «دیدن در دل» می داند و از اینجا به بررسی این پدیده و نیز لطایف قلبیه نزد برخی علما و مکاتب صوفیه نظیر نجم الدین کبری (متوفی ۶۱۷ ق)، علاء الدوله سمتمانی (متوفی ۷۳۶ ق)، فرقه نقشبندیه و مکتب اویسیه می پردازد.

مبحث آخر فصل دوم به شرایط انعقاد نطفه و تولد امام پرداخته است. رویدادهایی که پیش از انعقاد نطفه برای امام پیشین (پدر امام بعدی) روی می دهد، تولد امام زمان چه ویژگی هایی دارد، و اینکه اساساً اعتقاد به الهی و آسمانی بودن منشأ نطفه امام از کجا پدید آمده است.

مؤلف در آغاز فصل سوم یعنی وجود امام دو دیدگاه نسبت به امامیه را مورد نقد قرار داده است. دیدگاه نخست دیدگاهی است که امامیه را اساساً جنبشی سیاسی، کلامی و فقهی معرفی می کند. و دیدگاه دوم دیدگاهی است که این مکتب را فلسفه ای گنوسی و فاقد هر گونه زمینه تاریخی می داند. مؤلف در ادامه در یک تقسیم بندی، حیات سیاسی امامان را به چهار دسته تقسیم می کند: ۱. آن دسته که مستقیماً با سیاست درگیر بودند؛ امام اول، دوم و هشتم (ع)؛ ۲. آن دسته که دخالتی در مسائل سیاسی نمی کردند؛ از امام چهارم تا یازدهم (ع)؛ ۳. مورد خاص امام حسین (ع)؛ ۴. نمونه خاص حضرت قائم (عج).

مبحث بعدی علم مقدس (علم امام) است. از نگاه امامیه علم از جایگاه بنیادینی برخوردار است. هدف این علم فهم معنای باطنی و ژرف هر چیزی است؛ خاص یا عام مراد از علم در امامیه نیز علم دین است. لذا علم عباداً معنای ازلی و سرزی ندارد. مؤلف جهت وضوح بیشتر مطلب جوانب مختلف این علم را در سه بخش توضیح داده است. منابع علم امام، روشن های انتقال علم و ماهیت این علم.

مؤلف در بحث نیروی مقدس (نیروی امام)، قدرت های معجزه آسای امامان را مملول علم ازلی ایشان می داند این نیروها ذیل اصطلاحاتی مانند اعاجیب یا کرامات شناخته می شوند.

از طرفی امامان بخشی از علم و به طریق اولی بخشی

از قدرت خود را به برخی شاگردان نزدیک خود انتقال داده اند. بعضی عناصر قدرت امامان بدین قرار است: اسم اعظم خدا، خاتم سلیمان، قمیص آدم، عصا، تابوت عهد و...

در واپسین فصل کتاب مورد بحث سخن از وجود ملکوتی امام رفته است. در این فصل ابتدا اطلاعات مربوط به امام غایب و دو غیبت او و نیز نواب اربعه بررسی شده است. در ادامه انواع قدرت های غیبی نمایندگان امام آمده است. در بحث ابعاد باطنی رجعت و قیام امام به روایاتی در مورد ملاقات امام غایب اشاره شده و نشانه های رجعت به دو دسته عام و خاص تقسیم و توصیف شده است؛ سه دلیل عمده برای رجعت امام، دلیل تاریخی، دینی و باطنی (معنوی) است. دلیل سوم به نوعی مکمل دلیل دوم است چرا که دین هایی که مهدی (عج) آنها را احیا می کند دیگر صرف شریعت ظاهری نیستند بلکه همزمان از معنای تعالیم باطنی نیز برخوردارند. مؤلف در ادامه اشاره ای نیز به برخی دیگر از دلایل باطنی رجعت دارد. که البته این دلایل به هنگام ظهور اختصاص دارند؛ پیروان امام در هنگام ظهور سه عاملی که حضرت قائم را در انجام مأموریت ایشان یاری می دهند؛ فرشتگان، رحمت (اشاره به موجودی آسمانی و نرسناک) و مؤمنانی هستند که سپاه مهدی را تشکیل می دهند.

فرجام سخن آن که، وظایف مؤمنان ضمن صبر و انتظار فرج قائم که با ولایت و یقین و معرفت جهت شناخت امام همراه است، عبارت اند از: تسلیم شدن در برابر اراده الهی و تقیه در تعیین تاریخ رجعت امام غایب.

• The Divine guide in Early shi'ism
• Mohammad Ali Amir Moezzi
• English translator: David Streight
• New York, 1994